



از برکات انقلاب و نظام جمهوری اسلامی همین آزادی بیان در چارچوب قانون به تمام آنچه که رژیم شاهنشاهی انجام داده بود می آزد. سن بنده حقیر به زمان حکومت طاغوتی شاه قد نمی دهد اما وقتی از آنهایی که دنیا دیده اند و آن دوران را به چشم خود نظاره کرده اند می پرسیم که چگونه می شد نظری مخالف دولت یا حکومت داد که به نفع عامه مردم بوده و در تناقض با رفتار های دولت باشد؟ پاسخی که همه آنان به این پرسش می دهند یک جمله است: مگر می شد حرفی مخالف دولت زد؟ به گونه ای با شکایات برخورد می شد که هر شاکی ای از آنچه بیان داشته یا مرقوم نموده بود، پشیمان می گشت. شکنجه ها و ناخن کشیدن ها شاید نمونه های کوچکی از اقدامات ساواک در برخورد با منتقدین بود.

شاید بتوان گفت شروع انقلاب و مخالفت عامه مردم با رژیم شاهنشاهی و به ثمر رسیدن انقلاب، نقطه آغازی بر پایان یک دوره سیاه و تاریک بود که خفقان سیاسی در آن موج می زد.

هر چه از انقلاب سپری می شد آزادی بیان در چهارچوب قانون نیز گسترش می یافت و عمومیت پیدا می کرد. تعیین سرنوشت مردم به خود آن ها واگذار شد تا نظامی مردمی شکل بگیرد. رای بیش از ۸۹ درصد مردم به جمهوری اسلامی و پذیرش آن بعنوان معیار و ملاک دولت ها و قانون اساسی این واقعیت را به همگان ثابت کرد که ریشه ها و اعتقادات دینی در زندگی و باور مردم نهادینه شده است.

برگزاری یازده دوره انتخابات ریاست جمهوری نشان از حق مردم در تعیین سرنوشت خود بوده و هست. چه خوب و چه بد مردم، در این یازده دوره به معنی واقعی کلمه از دموکراسی یا مردم سالاری برخوردار بوده اند.

دموکراسی رنگی اما تعریف دیگری دارد. در دموکراسی رنگی اگر مردم میل گروهی عمل نکنند، نظرشان مورد قبول واقع نمی شود و به هر طریقی که باشد باید نظرشان تغییر یابد حتی اگر در اکثریت باشند. این نوع دموکراسی که بیشتر به خفقان شباهت دارد تا آزادی، چندین بار در کشورمان نمود پیدا کرده

است.

سال ۸۸ و پس از انتخاب قاطع رئیس جمهور دوره نهم بعنوان رئیس جمهور دوره دهم توسط مردم، جریان رقیب به دموکراسی رنگی روی آورد و البته شاید بر همان باور نیز بودند و بروز نمی دادند. جریان فتنه رای مردم را به چالش کشیده و ادعای متوهمانه تقلب ۱۱ میلیونی را بر جامعه تحمیل نمود. چه هزینه ها و خسارت های سنگینی که از همین توهم به کشور وارد شد.

حامیان و متولیان دموکراسی سبز که از شکست در انتخابات و اراده مردم خشمگین و بسی عصیانگر شده بودند نظر مردم را آن چنان بی ارزش جلوه دادند که طبق شعارهای خودشان اصل نظام را نشانه رفتند. اما چه خیال باطلی بود. ۹ دی ۸۸، مردم نتیجه توهین به رای و اعتقاداتشان را با پاسخی کوبنده، دندان شکن و طوفانی نثار فتنه گران و حامیان دموکراسی سبز نمودند.

دموکراسی رنگی اما تمامی ندارد. اینبار نوع بنفش اش البته بعد از انتخاب توسط مردم به منصفه ظهور رسید. دولت یازدهم بعد از انتخاب توسط مردم در یک انتخابات کاملاً آزاد، شمشیر را برای منتقدان از رو بست. شمشیری که از هر دو طرف می برید. هم منتقدان را و هم خود شمشیر زن را.

منتقدانی که بی شناسنامه، بی سواد، بی شعور و مردمی که خائن خطاب و به جهنم حواله می شوند، در دموکراسی بنفش باید زیپ دهان را بکشند و ساکت

منتظر معجزه حضرات بنشینند تا شاید فرجی از برایشان حاصل شود. اما همگان می دانند که به لطف انقلاب و نظام اسلامی هر انتخابی بعد از چهارسال دوباره باید از همین مردمی که خائن خطاب شده اند رای اعتماد بگیرد و بر سر کار آید.

آری، اساس دموکراسی های رنگی یکی است. نظر خلاف قابل پذیرش نیست. حق را هم بگویی همان حواله ها سراغت می آیند.

وحید عبدلی

شناسنامه نس

صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی

دانشکده بهداشت و تغذیه

مدیر مسئول: محسن زهره وندی

سر دبیر: وحید عبدلی

دبیر فرهنگی: مهدیه برادری

دبیر اجتماعی: محمد باغدار

دبیر سیاسی: مجتبی خسروی

همکاران این شماره: سجاد نصرتی

راه های ارتباطی:

@btbasij

btt@gmail.com

شماره پیامک: ۰۹۱۴۲۲۹۴۲۹۳

تیترهای مهم

دموکراسی رنگی؛ از سبز تا بنفش



صفحه ۴

معرفی کتاب #بی شعور



صفحه ۳

فریدون و مادراک ماالفریدون

مروری کوتاه بر چبستی حسین فریدون؛ برادر و دستیار ویژه رئیس جمهور

مرحمت فرموده ما را مس کنید

محکمی به آن داده نمی شود باید با قاطعیت آن را کنار گذاشت. دیگر تاریخ انقضا و تاریخ پز دادن آن پایان یافته است و مردم بیشتر از قبل از ما حاصل و ماوقع آن آگاهی یافته اند. شاید بهتر باشد بگوییم:

از طلا گشتن پشیمان گشته ایم
مرحمت فرموده ما را مس کنید

آری سال ۹۵ تمام شد. امسال نه سال ۹۲ است نه ۹۴ و نه ۹۵ که سال ۹۶ است و سال انتخابات.

بیاییم و ببینیم در این مدت چه بر مردم گذشت و به کدام وعده هایمان عمل کرده ایم. آیا چرخ زندگی مردم سریعتر از گذشته می چرخد. آیا صنعت کشور، کشاورزی مملکت بهتر از گذشته شده است.

کلاهمان را قاضی کنیم و سرنوشت مردم را محترم و مهم بشماریم. شاید اتفاقات خوب و جدیدی در کشور رخ داد.

وحید عبدلی

سال ۹۵ به پایان رسید و یکسال دیگر از برجام سپری شد آش همان و کاسه همان. تحریم ها پابرجا، بیکاری کثیر، اقتصاد مریض و جیب مردم خالی است. دیگر هم چرخ سانتریفیوژ پنجر شده است و هم چرخ زندگی مردم. دولت همان و مردم همان.

وعده ها هم چنان وعده مانده اند و مشکلات کشور را درنوردیدند. دیگر نه برجام گره گشای مشکلات است و نه مذاکره با کدخدایان. کجایند آنانی که همه مشکلات کشور از کوچک تا بزرگ را به این برجام گره می زدند. کجایند آنانی که ریزگردها را به برجام گره زدند اما بعد از این کاغذپاره، این معضل زیست محیطی را عاقبت گناهان مردم مظلومی دانستند که دیگر از وعده و وعید خسته شده اند. دیگر ارزش پاسپورت ایرانی مثل سابق هم نیست چه برسد به اینکه عزتش را برگردانند. کجایند مردان پرادعا؟

آری برجام جوانمرد شد. مرگی که کسی در عزایش نگریست زیرا آنانی که آن را پدید آوردند نمی خواهند و یا نمی توانند مرگش را قبول کنند. اما نه، آن جایی که دیگر روح و جسم و کالبد برجام همگی به یکباره نقض می شود و پاسخ

مروری کوتاه بر سوابق **حسین فریدون** برادر و نماینده ویژه رئیس جمهور دکتر حسن روحانی



این مطلب از خبرگزاری های معتبر جمع آوری شده است. و صرفاً هدف از انتشار آن آگاهی بیشتر دانشجویان می باشد.

؛

پس از افشای حقوق های نجومی و برکناری صدقی مدیر عامل بانک رفاه کارگران رئیس سازمان بازرسی کل کشور از فشار

حسین فریدون برای حضور صدقی بعنوان مدیر عامل بانک رفاه خبر داد.

حسین فریدون؛ از فرمانداری نیشابور تا حضور همیشه در صحنه

حسین فریدون برادر حسن روحانی متولد ۱۳۴۲ در سرخه سمنان است. وی مدتی فرماندار نیشابور و کرج و زمانی هم سفیر ایران در مالزی بود. سپس، به مدت چند سال به‌عنوان یکی از اعضای تیم نمایندگی جمهوری اسلامی در سازمان ملل متحد مشغول به فعالیت شد و پس از بازگشت به ایران، به‌عنوان مشاور حسن روحانی در مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام منصوب شد.

نام وی اولین بار بعد از پایان انتخابات ریاست‌جمهوری بر سر زبان‌ها افتاد که حسن روحانی در حکمی وی را به‌عنوان دستیار ویژه رئیس جمهور منصوب کرد. وی کمی بعد در جریان مذاکرات لوزان و وین به تیم مذاکره کننده هسته‌ای پیوست و تا پایان مذاکرات و انعقاد برجام، در جلسات مذاکرات هسته‌ای ایران و پنج به‌علاوه یک حضور داشت.

از ارتباط با دو بدهکار بانکی تا لابی‌گری برای رئیس نجومی‌بگیر

تیرماه سال جاری دکتر علیرضا زاکانی نماینده مردم تهران در مجلس نهم در نشست خبری با نام بردن از دو بدهکار بانکی به‌نام‌های «مالامیری» و «دانیال‌زاده» افشا کرد که این دو نفر با حسین فریدون در ارتباط هستند. **بانک ملت ۴۰۰ میلیون درهم با کارمزد صفر درصد به آنها داده و این دو نفر این پول را به داخل کشور آورده‌اند و از طریق صرافی‌ها آن را تبدیل و مجدداً با کارمزد صفر درصد از بانک دریافت کرده‌اند و با سرمایه‌گذاری مجدد در بانک ملت سالانه ۲۴ درصد سود گرفتند.**

این نماینده سابق مجلس در این نشست خبری خود اظهار کرد که این اشخاص توسط حسین فریدون کادرسازی می‌شوند و این کار مستقیماً دست در بیت‌المال کردن است.

بعد از این نشست خبری، دکتر زاکانی با شکایات معاونت حقوقی ریاست‌جمهوری، وزارت اطلاعات، حسین فریدون و رسول دانیال‌زاده در شعبه ۱۰۵۷ دادگاه کیفری حاضر شد اما دانیال‌زاده با مشاهده مستندات زاکانی، شکایت خود را پس گرفت. پس از انتشار فیشهای حقوقی برخی مدیران دولتی، ناصر سراج رئیس سازمان بازرسی کل کشور درباره تخلفات مدیرعامل بانک رفاه اظهار کرد: علی صدقی مدیر عامل بانک رفاه به‌خاطر تخلفات بزرگی که قبلاً در بانک ملی داشته، فاقد صلاحیت برای مدیرعاملی بانک رفاه کارگران بود اما **با فشار حسین فریدون (برادر رئیس‌جمهور) و لابی‌گری وی،** مدیرعامل بانک رفاه کارگران شد.



افشای پشت‌پرده ارتباط یک مفسد بزرگ اقتصادی با خانواده فریدون

بعد از افشای تخلفات رسول دانیال‌زاده از زبان سخنگوی قوه قضائیه، جزئیاتی از پرونده شب‌دوست مالامیری توسط نماینده خمینی‌شهر در مجلس شورای اسلامی فاش شد.

مالامیری ارتباطات نزدیکی با خانواده حسین فریدون برادر رئیس جمهور داشته است. اسناد واریز پول، به حساب

دختر حسین فریدون در لندن و کانادا وجود دارد که نشان‌دهنده ارتباطات مالی بین فریدون و مالامیری است. از طرفی آقای رستگار از شعبه دومی بانک ملت برای مالامیری وام‌های کلان اخذ می‌کند و مالامیری این وام‌ها را در بانک ملت ایران تبدیل به ریال و سپرده‌گذاری با سود بالا می‌کند! مالامیری مجموعاً حدود ۲ هزار میلیارد تومان وام دریافت کرده است.

ابطحی خاطر نشان کرد: همچنین مالامیری در یک مؤسسه خیریه غربالگری سرطان با آذر غفوری همسر حسین فریدون همکاری داشته است موارد بالا نمونه‌هایی از مباحث افشاشده درباره حسین فریدون است که تاکنون رسانه‌ای شده است.

حجت‌الاسلام روحانی در تاریخ ۲۴ مرداد ۹۲ در جلسه رأی اعتماد به کابینه خطوط قرمز دولتش را «**امانتداری در بیت المال، رعایت رهنمودهای رهبری، حراست از عزت کشور و صیانت از حقوق**

مسلم ایران و پایداری از اخلاق و احکام نورانی اسلام» اعلام و گفته بود هر کس از این خط قرمز عبور کند جایی در حلقه خدمتگزاران این دولت نخواهد داشت. حال نیز چشم امید ملت به این وعده روحانی است و باید دید که آیا رئیس دولت یازدهم که تاکنون در برابر اتهامات برادر و دستیار ویژه‌اش سکوت کرده، خط قرمز خود را زیر پا می‌گذارد یا در این ماه‌های باقی‌مانده عمر دولتش خواستار رسیدگی به پرونده برادرش خواهد شد.

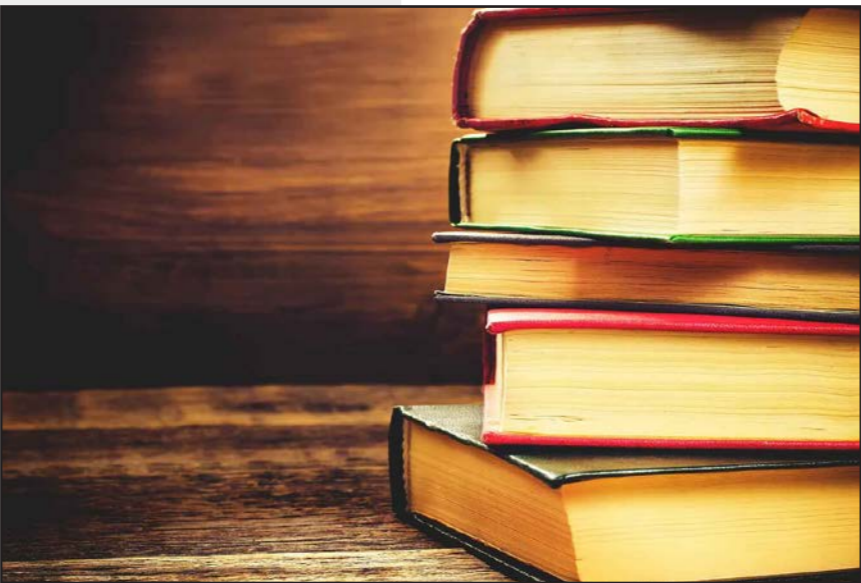
منابع:

خبرگزاری تسنیم

خبرگزاری فرارو

خبرگزاری مشرق

کتاب **#بیشعور** یکی از تأثیرگذارترین کتب تاریخ است که باعث تغییرات زیادی در منش سیاستمداران جهان شده است. تأثیر این کتاب بر سپهر سیاسی روسیه بسیار عمیق تر است. تا جایی که نقل است لنین نسخه ی جیبی آن را همیشه همراه داشته و در لحظات سخت با خواندن **#بیشعور آرام** می گرفته. استالین هم هر از گاهی یکی از ژنرالهایش را مجبور می کرد سه بار از روی این کتاب مشق بنویسد تا نحوه برخورد با زیردست را یاد بگیرد.



نویسنده ی کتاب حاضر، حسن کازویوچ هاشامفسکی، که در مطبوعات روسیه بیشتر به نام دکتر هاشمف شناخته می شود، به خاطر این اثر بزرگ بار ها مورد تقدیر مجامع ادبی و سیاسی قرار گرفت. حتی به خطر عظمت این اثر وی به افتخار نامزدی نوبل هم نائل شد. (کاترینا ایوانوا نوبل، یکی از پرستاران بیمارستان مرکزی مسکو) ولی به علت این که کلا از پرستار جماعت خوشش نمی آمد سریع نوبل را طلاق داد.

دکتر هاشمف جزو حاذق ترین پزشکان روسیه بود. بعلاوه ثروت فراوان هم داشت. وی پس از انقلاب روسیه علیرغم تمام آرمان های انقلاب توانست روز به روز بر دارایی هایش بیافزاید. ماکسیموس گرکی در کتاب «همه ی بیمارستان های من» می نویسد: «دکتر هاشمف دارای بیمارستان ها و مراکز درمانی متعددی در مسکو، سن پترزبورگ، کیف و سایر نقاط روسیه است.» وی پس از ذکر نام و مشخصات کامل تک تک این بیمارستان ها ادعا می کند: «دکتر هاشمف دارای

بی شعور

نقدی بر کتاب بی شعور دکتر هاشموف

ارتباطات فراوانی با افراد صاحب نفوذ است و بسیاری از دارایی های خود را از طریق رانت خواری به دست آورده است.» البته بر همگان واضح است که وی از روی حسادت این حرف دروغ ها را به دکتر هاشمف نسبت داده. و الا خرید چند بیمارستان برای یک پزشک متخصص در روسیه آن روز مری عادی محسوب میشد.

دکتر هاشموف در یکی از ۶۰-۴۵۰ سفری که به شهرهای مختلف برای بازدید از بیمارستان هایشان داشته به صحنه ای بر می خورد که او را سخت

به محض بازگشت از بادارف دکتر هاشمف شروع به نگارش این ستاره درخشان ادبیات روسی کرد تا **#بیشعورها** را به همه بشناساند و خطرشان را از جامه بشری دفع کند. وی بعدها در زمان خروشچف که سیاست همزیستی مالمت آمیز با آمریکا را داشت به مقام «وزیر ثروتمند سازی پزشکان» منصوب شد. از آثار دیگر این نویسنده ی شهیر می توان به کتب «**گفتاری پیرامون لزوم هرچه ثروتمند تر کردن پزشکان**» و «**فواید اختلافات فاحش در نظام پرداخت دستمزد**» اشاره کرد.

بخش اول کتاب **#بیشعور** با عنوان «**دولت یا مردم مسئله این است**» به تشریح مرزبندی های دقیق بین دولت و مردم و عدم ارتباط کارهای دولت به مردم می پردازد. در این بخش می خوانیم: «**کسی که نماینده دولت است دیگر نمی تواند نماینده مردم باشد. اصلاً به دولت چه که مردم چه می کشند.**» وی در این بخش تعریف دقیقی از افراد **#بیشعور** ارائه می دهد: «**#بیشعور کسی است که فکر کند دولت نماینده مردم است.**»

بخش دوم کتاب به روش های برخورد با **#بیشعورها** می پردازد. البته نویسنده در نگارش این بخش به وضوح از تعالیم حسن کیلیدویچ، حقوقدان بزرگ روس، الهام گرفته. در این بخش آمده: «**اگر به فردی #بیشعور بر خوردید،ابتدا بیشعوری اش را به وی یادآور شوید تا شاید در اثر این آگاهی به فکر چاره بیافتد.** به این ترتیب که مستقیماً به چشمان قرد زل زده و بر سرش قریاد می زنید: **#بیشعور.** اگر فرد همچنان ملتفت بیشعوری اش نشد برای نجات جامعه از شر این آفت بزرگ باید وی را غزل کنید. همچنین می توانید او را به جهنم حواله دهید، شناسنامه یا سوادش را زیر سؤال ببرید و نهایتاً اگر اقدام به سؤال پرسیدن کرد به ۲ سال زندان محکومش کنید.» سپس در ادامه نحوه و محل استفاده از هر کدام از روش های مذکور به تفصیل شرح داده می شود.

ترجمه ی این کتاب که به قلم شیوای حقیر صورت گرفته هم اکنون در تمامی کتابفروشی های معتبر کشور موجود است و مطالعه آن به تمام دانشجویان عزیز توصیه می شود.

سجاد نصرتی